راهکارهای اندیشه‌ای تقریب مذاهب اسلامی

راهکارهای اندیشه‌ای تقریب مذاهب اسلامی

الحاج عبدالکریم آخوند الهی

مدرس حوزه علمیه اهل سنت

پیشگفتار :

اتحاد و انسجام از ابتدا مورد تاکید پیشوایان اسلامي بوده است اما با توجه به موقعیت حساس کنوني جهان اسلام ضرورت تقریب مذاهب اسلامي که عامل مهم وحدت جهان اسلام به شمار مي‌رود بیش از پیش احساس مي‌شود.

این نوشتار راهکار هاي تقریب بین مذاهب اسلامي را بر مي‌شمارد که از آن طریق مي‌توان به همگرایي رسید شناخت متقابل مذاهب و تأکید بر عناصر مشترك نظیر اصول دین، کتاب و سنت،‌اهل بیت و عدم تحریك احساسات،‌اعتدال مذهبي، پرهیز از افتراها و رفع ابهام ها مي‌تواند کشتي متلاطم جهان اسلام را به ساحل صلح و امنیت رهنمون سازد.

مقدمه :

امتها، وقتي از مبدا و مصدر خود فاصله ميگيرند، به طور طبيعي مداهب و نحلههاي متعددي در آن به وجود ميآيند. به ويژه اگر مرجعيت علمي، سياسي مشخصي از سوي مبدا يا رهبرنخستين آن تعيين نشده باشد. امت اسلامي نيز بعد از رحلت پيامبراكرم (ص) وكنار گذاشتن جانشينان منصوص آن حضرت به اختلافات فكري، عقيدتي و سياسي كشانده شدند در اين امرعلاوه براستنباطهاي علمي، اغراض فردي و سياسي نيز دخيل بوده است.

تشديد اختلافات و نزاع هاي مذهبي, انديشمندان اسلامي را وادار كرده است كه راه بيرون رفت از اين آفت را بيابند. ازين رو از بدو تولد نحلههاي مختلف، تئوريها و راهكارهاي متعدد ومتفاوتي در تقريب مذاهب ارائه كردهاند؛ به ويژه در سده اخير گامهاي عملي نسبتاً خوبي در اين راه برداشتهاند.

تقريب

مراد از تقريب چيست ؟ در پاسخ به اين پرسش فرضيههاي زير را ميتوان مطرح كرد:

1. اتحادمذاهب برمبناي مشتركات و كنارگذاشتن موارد اختلاف؛

2. رجوع به دوران ماقبل مذاهب وچشم بستن بر تمام دستاوردهاي علمي آنها ؛

3. اتخاذ يک مذهب و كنار گذاشتن مذاهب ديگر يا ادغام آنها

4. تكيه و تاكيد بر مشتركات و سكوت در موارد اختلافي.

سه فرضية نخست به علت مشكلاتي كه دارند يا عملي نيستند و يا نقايصي را در غناي فرهنگي،فروعات فقهي و حتي اصول اسلامي پديد مي‌آورند، نميتواند راهكار تقريب مذاهب اسلامي قرار گيرد.(بيان مشكلات و معايب مذبور, در اين‌جا مورد نظر نيست) نگارنده در اين نوشته ميكوشد بر مبناي نظريه چهارم،راهكارهاي مذاهب اسلامي را در ذيل عناوين زير مورد برررسي قرار دهد.

شناخت مذاهب از راههاي درست

1. 1. برررسي منابع

يكي از راههاي مهم تقريب بين مذاهب، برررسي منابع و مباني فقه تطبيقي است؛ چون با مراجعه به متون و منابع اصيل و نظريات پيشوايان مذاهب، معلوم ميشود كه در بسياري از موارد اختلاف وسيع و عميقي وجود ندارد. علت بسياري از اختلافات اين است كه در شناخت مذهب رقيب، به جاي رجوع به كتابها ومستندات خود آن مذهب، شناختشان معطوف به كتابها و مستنداتي است كه ديگران در باره آن مكتب و مذهب نوشتهاند و در اين كتابها، اصول و فروع آن مذهب به درستي منعكس نشده است؛ بلكه بالاتر از آن نسبتهايي به آن مكتب و مذهب داده شده است كه گاه پيروان آن مذهب خود از آن نسبتها بيخبر اند. اين مطلب، باعث نگاههايي بدبينانه و تكفير آميز در ميان پيروان مذاهب اسلامي شده است. ازين رو نبايد اموري را كه پيروان مكتبي قبول ندارند به انحاي مختلف به آن نسبت داد.

اختلافات شيعه و سني را جريانهاي افراطي و سياسي بزرگ كردهاند و گرنه اختلاف امر طبيعي است.به خصوص اگر اختلاف منشأ فكري داشته باشد و ناشي از استنباطها باشد نه تنها اشكالي ندارد بلكه مفيد هم هست و موجب تحرک و پيشرفت ميشود.

1. 2 مناظره يا گفتمان علمي

دومين روش تاثيرگذار در شناخت افكار و عقايد مذاهب از همديگر، روش مناظره است.عالمان و انديشمندان فرق و مذاهب اسلامي بايد در گفتمان علمي روشن كنند كه چه عقايدي از ما هستند و چه عقايدي از ما نيستند.پس ازپذيرش آنها ، بر اثبات آن، دليل اقامه نمايند.

مناظرات وگفتوگوهاي علمي كه به قصد آشكار شدن حقيقت انجام مي شوند، وجدانها را بيدار ميكند؛ چون

انسانها به صورت فطري در برابر حقيقت سر فرود ميآورند. هم چنين اين شيوه گرهها و سؤالاتي كه طرف مقابل گرفتار آن است و نميتواند براي آن راه حلي پيدا كند ،ميگشايد.

تأكيد بر نقاط مشترک و عناصر تقريبي

2. 1. وحدت دين واصول آن

مهمترين مسأله در تقريب بين مذاهب، اين است كه پيروان تمام مذاهب،دين واحد و اصول مشترک دارند. اختلاف در برداشتهاي كلامي، فقهي و تفسيري از طبيعت نظري بودن آنهاست نه از مذهب و چنين اختلافي طبيعي و گريز ناپذير است از اين رو در ميان عالمان پيرو مذهب واحد نيز وجود دارد. بر اين اساس انديشمندان مسلمان هر يکديگري را در مسايل اختلافي معذور بدارند تا باعث صف آرايي در برابر يکديگر نشوند.

اقبال لاهوري معتقد است كه اصل توحيد متضمن وحدت تفكيک ناپذير است و وحدت فكر و عمل مسلمين از همين اصل سر چشمه ميگيرد. به عقيده وي، فرد با عقيده توحيد و جامعه با عقيدة رسالت زنده ميماند. همة انديشهها، مرامها و ايدههاي ما از همين عقيدة رسالت الهام ميگيرد.

از رسالت همنوا گشتيم ما هم نفس هم مدعا گشتيم ما

كثرت هم مدعا وحدت شود پخته چون وحدت شود ملت شود

اقبال به جهان اسلام گوش زد ميكند كه بعثت پيامبر گرامي اسلام به عنوان عقيده مشترک ميتواند محور اتحاد قرار گيرد تا از اين رهگذر جهان اسلام به هويت واقعي خود كه همان «امة واحدة» است دست يابد.توجه اسلام به مراسم جمعي، چون نماز جماعت، نماز جمعه، حج، تاكيد بر اخوت اسلامي، رعايت حقوق ديگران، رفع حوائج برادران ديني، مواسات مالي، ايثار و... نشان ديگري از اهتمام دين بر همگرايي و وحدت است.

2. 2. محبت اهل بيت

خوشبختانه تمام مذاهب اسلامي و پيروان آنها به اهل بيت پيامبر(ص)، محبت ميورزند و نسبت به آنان به ديده احترام مينگرند.به گونة كه بسياري از اهل سنت در مورد فضايل و محبت آنها كتابها نوشتهاند. و مرجعيت علمي اهل بيت را ميپذيرند. گذشته از مقام علمي بيت نزد اهل سنت، آنان عمدتاً متاثر از جريان تصوف و پيرو گرايشهاي مختلف تصوفاند و نحلههاي تصوف هر كدام و براي اهل بيت مقام و منزلت خاصي قايلند كه اين امر به وحدت شيعه و سني كمک شاياني مي كند.

2. 3.اتفاق بر اعتبار كتاب و سنت

سومين عنصر، براي تقريب مذاهب اسلامي، اعتقاد بر حجيت كتاب و سنت است كه مورد توافق تمام مذاهب

اسلامي است كه همه در احكام شرعي و حوادث واقعه به آن مراجعه ميكنند.
بعد ازخداوند و اصل دين كه كانون اصلي وحدت به شمار ميروند، قرآن است. قرآن مهمترين منبع و مرجع عقايد، اخلاق،و استنباط‌هاي احكام شرعي بشمار ميرود؛ چون صدور آن از خداوتد قطعي است و همه مسلمانان درحجيت ودليل بودن آن نسبت به احكام عملي و....اتفاق نظر دارند. اگر قرآن ميزان عمل قرار گيرد، بسياري ازاختلافات و مشكلات حل ميگردد.
سيد جمال الدين كه يكي از پيشگامان وحدت و نقريب است، به دنبال اين بود كه با پيروي از الگوي صدر اسلام، مسلمانان فارغ از امتيازات و اختلافات نژادي، فرقه‌اي، زباني، و... به اسلام به عنوان يک كل نگاه كنند. برداشت او از اتحاد، حاكميت فرد خاص نبود؛ بلكه او ميخواست مسلمانها با وجود تمايزات جغرافيايي و...تنها قرآن را ميزان عمل قرار دهند و در همه جا قرآن حاكم باشد. سيد مشكلات و عقب ماندگي مسلمان را در دوري از اسلام و قرآن ميدانست و بر رفع اين نقيصه تاكيد مي ورزيد كه مسلمان‌ها قرآن را برنامه زندگي بدانند نه صرفاً كتاب مقدس و بي ارتباط بازندگي.

3. اعتدال مذهبي وپرهيز از اعمال تحريک آميز

عنصر ديگري كه براي موفقيت تقريب مذاهب اسلامي مهم است، در پيش گرفتن روش اعتدال مذهبي است؛ چون هر مذهب و آييني ممكن است در طول زمان به افراطها و تفريطهايي دچار شود، پيروان مذاهب، خود اصول و فروعي را به مذهب و دين اضافه كنند و يا تفسير سخت‌گيرانة از اصول و فروع دين داشته باشند كه براساس آن، كساني را كه در چارچوب تفسير مذهبي و ديني آنها نگنجند، خارج از دين و ديندار‌ي حساب كنند.امروزه جريانهايطالبان و القاعده به چنين تفسيرهايي روي آورده‌اند. نتيجه بحثهاي علمي و تاريخي هرچه باشد،نبايد منجر به درگيري عملي،عداوت و خون ريزي ميان مسلمانان شده و موجب تضعيف اسلام گردد كه تضعيف اسلام به هرنامي كه باشد از محرمات و گام برداشتن در راه شيطان است.بهترين زمينه اتحاد مسلمانان، اجتناب ازتحريک احساسات و احترام گذاردن به عقايد ديگران است.
خداوند در قرآن دستور ميدهد: «خدايان كفار را سب نكنيد وفحش ندهيد تا آنها نيز خداوند جهان را فحش ندهند».

4. سكوت و چشم پوشي از بعض مسائل اختلافي

عده‌اي از دانشمندان تقريبي معتقدند سكوت و وارد نشدن در بعض مسائل اختلافي ميان مذاهب اسلامي يا ارائه تفسير خاصي از اين مسايل، ميتواند زمينه ساز تقريب باشد. در مورد رهبري جامعه اسلامي بعد از پيامبراعظم(ص) ميان جامعه اسلامي اختلاف نظر وجود دارد ولي اين موضوع يک امرتاريخي است كه پرداختن به آن ثمره اي جزتشديد اختلافات و درنتيجه تضعيف كليت اسلام ندارد. بايد نسبت به اين مسأله، رويكرد اغماض و سكوت پيشه نمود؛ چرا كه خلافتي كه درصدر اسلام مطرح بود، در حال حاضر موضوعاً منتفي است و

فائده بر بحث از این موضوع مترتب نیست

5. تشکیل مدارس مشترک و تدریس آراي مذاهب بصورت مقارن
یکي از راهکارهاي مهم تقریب مذاهب، ایجاد یا تشکیل نظام آموزشي مختلط از دانشجویان شیعه و سني و تدریس دیدگاه هاي مذاهب بصورت مقارن است.

راهکارهای عملی جهت تقریب بین مذاهب اسلامی

تقریب بین مذاهب اسلامی ایده‌ای است که بر بنیان اصل اخوت دینی و امت واحده اسلامی استوار می باشد. از دیرباز تقریب بین مذاهب به عنوان گام مهم و عملی در راستای تحقق عینی وحدت اسلامی و اخوت دینی مورد توجه عالمان بزرگ جهان اسلام قرار داشته است. تقریب مذاهب بیانگر بینش فکری و عملی در راستای ایجاد ذهنیت مثبت و سازنده میان پیروان مذاهب اسلامی نسبت به همدیگر می‌باشد. این ذهنیت از طریق نفی تعصبات مذهبی و جزم نگری‌های غیرعلمی پیروان مذاهب اسلامی را به هم‌پذیری دینی و احترام به اصل تفاوت نظر در برخی از فروعات دینی فرا می‌خواند.
امروز در عصر جهانی شدن و دوره وابستگی متقابل جوامع بشری، گفتمان لیبرالیسم و مادی‌گرا به عنوان گفتمان مسلط، نظام ارزشی اسلام و گفتمان دینی را به چالش کشیده است. طرح تئوری برخورد تمدن‌ها نمونه‌ای از تلاش در راستای برجسته ساختن خطر اسلام‌گرائی و گسترش اسلام در گستره جهانی است.از جانب دیگران جهان اسلام نیز با چالش‌ها و مشکلات داخلی گوناگونی روبرو است که در نهایت چهره نورانی تعالیم اسلامی را زیر سوال برده و همواره باور و ایمان دینی جوانان مسلمان را با شک و تردید روبرو می‌سازد. حاصل جمع چالش‌های درونی و هجمه‌های بیرونی برابر است با ضرورت بیداری امت اسلامی و تلاش همه جانبه در راستای تقریب مذاهب اسلامی و همچنین تحکیم اخوت و برادری میان پیروان مذاهب اسلامی است.
اما سؤال اساسی این که در عمل، تقریب مذاهب اسلامی و اخوت دینی چگونه انجام می‌پذیرد؟
پاسخ این سؤال ما را به ضرورت تدوین جامع و کار آمد استراتژی تقریب روبرو می‌سازد.
در این نوشتار مهم‌ترین محورهای استراتژی تقریب بین مذاهب اسلامی که در واقع راهکارهای عینی و عملی تحقق این ایده بزرگ اسلامی است، مورد توجه قرار دارد که به صورت فهرست گونه و به اختصار یاد آوری می گردد:

ترویج آموزه‌ها وتعالیم اسلامی برمحوریت کتاب و سنت
قرآن کریم و سنت نبوی محور مشترک تمام مذاهب و فرق اسلامی است. پیروان مذاهب اسلامی با اتفاق نظر،

قرآن و سنت نبوی را به عنوان منبع غنی و ارزشمند فقه و احکام اسلامی مورد تاکید قرار داده و کلیه فرق و مذاهب اسلامی را بر محوریت این دو منبع ارزشمند و میراث پیامبر گرامی اسلام جزء خانواده بزرگ امت اسلامی محسوب می کند. بنابراین، برجسته ساختن این محور مشترک راه را بر نوع حرکت تفرقه افکنانه که میان امت اسلامی جدائی می اندازد، مسدود می نماید. فروعات فقهی مورد اختلاف نظر فقیهان مسلمان در پرتو اشتراک نظر آنان بر سر محوریت قرآن و سنت، بسیار جزئی تر و کم اهمیت تر از آن است که بتواند حلقه مستحکم امت اسلامی را خدشه دار سازد. پس لازم است تمام عالمان دینی و اندیشمندان مسلمان بر این محوریت عظیم تأکید نموده و تمام فرق اسلامی را که به این دو میراث گرانقدر نبی مکرم اسلام ایمان دارند، با دیده برادر دینی نگریسته و مورد احترام متقابل قرار دهند.

تأکید برحفظ و حراست از نظام ارزشی و اخلاقی اسلام

امروزه جهان اسلام بیش از هر زمان در معرض هجمه های فرهنگی و الگوسازی های غیر دینی و متناقض با ارزشهای اخلاقی و انسانی اسلام قرار دارند. جهان اسلام و مسلمانان هویت دینی و دنیوی شان را بر اساس نظام ارزشی اسلام که مطابق با فطرت انسانی و برگرفته از وحی الهی است، تعریف می کنند. بنابراین، حراست و حفاظت از هویت اسلامی مسلمانان، ضرورت پاسداری از نظام ارزشی و اخلاقی مسلمانان وظیفه مشترک تمام اندیشمندان مسلمان است. پاسداری از هویت اسلامی رسالت و وظیفه همه عالمان دینی و امت اسلامی است. برجسته ساختن و زنده نگهداشتن هویت اسلامی به مفهوم نفی ایده ها و باورهای فرهنگی مغایر با ارزش های اسلامی است. بنابراین، تحکیم هویت اسلامی به عنوان هویت جمعی مسلمانان گام عملی و اساسی در راستای تحقق عینی امت واحده اسلامی است.

تقویت و گسترش مشترکات اسلامی و تاکید بر سرنوشت مشترک امت اسلامی

جهان اسلام بخش عظیمی از جغرافیای انسانی و سیاسی جهان را به خود اختصاص می دهد. در این جغرافیای بزرگ امت اسلامی دارای سرنوشت اجتماعی مشترک می باشد. از نظر اعتقادات اسلامی، اهتمام به امور مسلمین و رسیدگی به وضعیت نابسامان برادران و خواهران مسلمان در اکناف عالم، یکی از وظایف مسلمانان محسوب می گردد. زیرا این گفته پیامبر اسلام است که فرمود: «من اصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم». بحکم این فرموده پیامبر اسلام، مسلمانان باید نسبت به وضعیت برادران دینی خویش احساس مسئولیت نموده و خود را در رنج و درد آنان شریک بدانند. گسترش و تقویت روحیه همدردی و هم سرنوشتی در نهایت زمینه های انسجام بیشتر و اتحاد عملی مسلمانان را فراهم می سازد.

تأکید بر تهدیدات مشترک

امروزه جهان اسلام و امت اسلامی با تهدیدات مشترک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رو برو هستند. تهدید فرهنگی که معتقدات دینی مسلمانان را به چالش می طلبد، از مهم ترین تهدیدات جهان کنونی است که

کلیت اندیشه و تفکر اسلامی را به مبارزه می‌طلبد. این تهدیدات از مرزهای جغرافیایی، ملی، مذهبی و قومی عبور نموده و هویت مشترک امت‌اسلامی را که همانا دینداری و پایبندی به نظام ارزشی اسلام است، زیر سؤال می‌برد.آگاه ساختن مسلمانان، نویسندگان و عالمان دینی به این خطر و تهدید مشترک، آنان را از رفتن به سوی اختلاف‌های جزئی برحذر داشته و متوجه دفاع مشترک و دسته‌جمعی از کلیت نظام اسلامی ومعقدات دینی می‌سازد. چه کسی می‌تواند بپذیرد که در جهان کنونی هجمه‌های فرهنگی و اعتقادی اصل ایمان دینی و دین‌باوری را تخریب می نماید، اما وی همچنان درگیر مطرح ساختن تفاوت نظرهای جزئی فقهی فقیهان اسلامی باشد؟

به طور منطقی آنگاه که کلیت نظام دینی و دینداری به چالش کشیده شود،دل مشغولی عالمان دینی به طرح مسایل مذهبی و جزئی دور از صواب خواهد بود. بنابراین، اندیشمندان مسلمان وظیفه دارند تا در راستای حراست از دینداری و ایمان بعنوان هدف مشترک در سنگر واحدی بنام حراست از دینداری قرار گیرد،این امر نیز به نوبه خود تمثیل عینی اخوت و برادری اسلامی خواهد بود.

برگزاری کنفرانس‌های علمی مشترک از سوی عالمان و روشنفکران دینی

بدون تردید تعامل فکری و تضارب آراء میان اندیشمندان مسلمان شیعه و سنی یکی از عوامل دوری آنان وگاه ایجاد ذهنیت‌های منفی در میان آنان و بالتبع امت‌اسلامی است. بدین منظور، برگزاری نشست‌های علمی مشترک که عالمان شیعه وسنی درکنار هم به طرح دیدگاه ها و نقطه نظرات اسلامی و دینی بپردازند، نقش مهمی را در ایجاد وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب‌اسلامی خواهد داشت. درک درست از نقطه نظرات فقهی و دینی عالمان مسلمان شعیه و سنی از همدیگر در نهایت به گسترش نقاط اشتراک و کم‌رنگ گردیدن تفاوت‌های جزئی در مسایل فقهی کمک نموده و زمینه‌های تحقق عملی اخوت اسلامی را فراهم می‌سازد.

جلوگیری از تبلیغات منفی مذهبی

جهان اسلام تجربیات تلخ و ناگواری از برخورد تکفیری و افراطی در میان مذاهب‌اسلامی ازسوی برخی از افراد و حلقات به نام مذهب خاص را تجربه نموده است. امروزه نیز در برخی از بلاد اسلامی هنوز هستند کسانی که بنام شیعه و سنی و یا دیگرفرق اسلامی با دیدگاه انحصاری و غیرقابل انعطاف به تبلیغ منفی علیه دیگران می‌پردازند. جلوگیری از تبلیغات منفی علیه مذاهب‌اسلامی یکی از راهکارهای اساسی تقریب بین مذاهب‌اسلامی است. این وظیفه خطیر عالمان دینی است که از انجام چینن برخوردهای سبک و منافی با مصالح علماي امت‌اسلامی جلوگیری نمایند. با تلخی باید یادآورشد که درمیان تشیع و تسنن، پیشگام این گونه حرکت‌های منفی و غیرمنطقی عده ای ازملاهای بی سواد ویاکم سوادی هستندکه به سادگی در دام طرفندهای سیاست بازان قرارگرفته و به خیال خدمت به مذهب دین اسلام خیانت و جفا می‌نمایند. پیروان مذاهب‌اسلامی حق دارند به طور آزادانه از آموزه‌ها و تعالیم مذهبی خویش تبلیغ نمایند. امانه منطق

اسلامی و نه مصلحت جهان اسلامی و نه اصل اخوت و برادری به هیچکس اجازه نمی‌دهد که از تبلیغات منفی علیه سایر مذاهب اسلامی استفاده نمایند.
جلوگیری از برخوردهای متعصّبانه که نه به نفع مذهب است و نه به نفع دین اسلام، از وظایف مهم علمای اسلامی بوده و گام مهمی در راستای تحقق اخوت اسلامی است.

تاکید بر اصل احترام به تفاوت نظرهای فقهی

زندگی علمی و اجتماعی رهبران اسلامی الگوی کارآمد و ارزشمند از تعامل اجتماعی است رهبران مذاهب اسلامی اگر در اجتهادات فقهی باهم اختلاف نظر نمی‌داشتند، شاید فقه اسلامی امروزه از بالندگی و پویایی‌ای که دارد برخوردار نمی بود. آنان باید با در نظرداشتن اصل محوریت قرآن و سنت، اختلاف در روش‌های اجتهادی و نظریات فقهی را با دیده قدر نگریسته و نظریات مخالف را با دید احترام می‌نگریستند. اگر امروزه امت اسلامی و عالمان مسلمان در موارد اختلاف نظر فقهی، بر نظریات همدیگر اصل احترام متقابل و معذوریت شرعی را موردتوجه قرار دهند، به یقین تفاوت نظر فقهی نه تنها مانع اخوت و برادری آنان نخواهد شد، بلکه زمینه‌های رشد و تعالی فقه اسلامی را نیز فراهم خواهد ساخت.

جنگ نرم، فن مقابله با تقریب مذاهب اسلامی

زمینه ایجاد انشقاق در میان مسلمانان نیز وجود دارد.". نومحافظه کاران به همین منظور برای اولین قدم در جهت مقابله با اسلام به دولتمردان آمریکایی، به ویژه اوباما، پیشنهاد کردند در سخنرانی ها از مفهوم "جهان اسلام" اجتناب کرده و به جای آن از مفهوم "مسلمانان" استفاده می‌کنند.
در این عرصه برای سیاستگذاران غرب، استفاده از جنگ نرم و بکارگیری فنون عملیات روانی از جایگاه خاصی برخوردار است.

در این مختصر تلاش بر آن ست تا ابعاد طرح استفاده از جنگ نرم برای مقابله با اتحاد جهان اسلام مورد بررسی قرار گرفته و به سه پرسش زیر پاسخ داده شود

۱ـ جنگ نرم با جنگ سرد چه تفاوت هائی دارد؟

۲ـ در جنگ نرم برای مقابله با اتحاد اسلامی از چه روش‌هائی استفاده می شود؟

۳ـ روش های مقابله با جنگ نرم چیست؟

۱- تفاوت جنگ نرم با جنگ سرد

الف- هدف ازجنگ نرم ،تاثیر گذاری بر روی اعتقادات و باورهای مسلمانان است در حالی که در جنگ سخت، دشمنان اسلام ،تصرف سرزمینه های اسلامی را مد نظر دارند.

ب- در جنگ نرم آثار تخریب و استحاله باورها و اعتقادات در کوتاه مدت نامحسوس است ولی در جنگ سخت آسیب ها و ویرانی‌ها محسوس و ملموس است.

ج- ویرانی های جنگ سخت با سرمایه گذاری مجدد می تواند بازسازی شود اما در جنگ نرم ،بازسازی آسیب‌ها به سهولت امکانپذیر نیست.

هـ- جنگ سخت بلحاظ هزینه،پرهزینه تر و بلحاظ زمان،کوتاه تر است اما جنگ نرم بلندمدت و کم‌هزینه‌می باشد.

و- در جنگ سخت انسانها کشته شده یا آسیب می بینند اما در جنگ نرم،باورها، اعتقادات و اندیشه ها از بین رفته یا استحاله می شوند.

ز- ادوات و آلات نظامی ابزار جنگ سخت هستند اما در جنگ نرم از منابع قدرت نرم یعنی رسانه‌ها و ماهواره‌ها، ابزار اصلی هستند.

در مجموع هدف اصلی جنگ نرم تاثیر گذاری بر افکارعمومی و بخصوص نخبگان می باشد.غرب در سال ۱۹۹۰ راه شکست اتحاد جماهیر شوروی را با جنگ نرم تجربه کرد و با جنگ رسانه‌ای و هدایت افکار عمومی موجبات فروپاشی شوروی را فراهم نمود.امروزه نیز جنگ اینترنتی ، ایجاد شبکه های رادیوتلویزیونی و پخش شایعات اشکال مهم جنگ نرم هستند . در عرصه مقابله با قدرت اسلام نیز،جنگ نرم در صدد تضعیف اندیشه و تفکر تقریبی در بین علما و شخصیت های تاثیر گذار جهان اسلام است.در این ارتباط، غرب بودجه‌های بسیاری را برای تقویت رسانه ای سنتی نظیر مطبوعات،رادیو و تلویزیون و رسانه های مدرن نظیر سامانه های اینترنتی،سینما،تئاتر،انیمیشن در نظر گرفته عملیاتی نیز شده است.

۲- روش های جنگ نرم در تقابل با تقریب:

الف- فرقه سازی مذهبی و سیاسی

قدرت های غربی،در قرن ۱۹ وپس از شکست های متعدد اروپایی ها در جنگهای صلیبی و رویارویی با امپراتوری عثمانی، ، قدرت های بزرگ به این نتیجه رسیدند که بهترین راه مقابله با اتحاد مسلمانان، ایجاد فرقه‌های جعلی و منحرف چون "بابی گری" و "وهابیت" است.این فرقه ها بتدریج با هدایت استعمار انگلستان ایجاد شد.تبلیغ و تقویت اندیشه ناسیونالیسم در جهان اسلام برای تضعیف نقش دین در همگرایی امت اسلامی هم ترفند دیگر استعمار بود.امروز نیز همین فرقه ها بخصوص افراط گرایان اسلامی در کشورهای افغانستان،پاکستان و یمن نیز نقش خود را،عمدا یا سهوا، در جهت تامین منافع غرب ایفا می کنند.

تخریب بنیان‌های فرهنگی یکی از اهداف جنگ نرم فرهنگی به حاشیه کشاندن فرهنگ دینی ، ملی جوامع است تا با حاکم کردن خواسته‌های خود ، اداره امور جهان را به دست گیرند.

ب- دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی

یکی از راهکارهای غرب بهره برداری از وجود تنوع قومی و قبیله ای در کشورهای مسلمان جهت دامن زدن به اختلافات فرقه ای و مذهبی،با استفاده از جنگ روانی در فضای مجازی و رسانه ای است. ما امروز شاهد ظهور مجدد ملیت گرایی در کشورها هستیم .در این تکنیک با تشدید اختلافات فرقه ای زمینه های همگرایی جهان اسلام، به عواملی برای تفرقه و جدایی تبدیل می گردد. امروز ما شاهد هستیم که وجود درگیری های قومی و مذهبی در کشورهای مسلمان همچون افغانستان،عراق و پاکستان تا چه اندازه در ایجاد شکاف میان کشورهای اسلامی تاثیر گذارده است.

ج-ایجاد اختلاف میان کشورهای مسلمان

ترفند دیگر که این روزها با شدت بیشتری نیز دنبال می شود ایجاد اختلاف میان کشورهای مسلمان است.برای مثال بزرگ نمائی تهدید نظامی ایران برای کشورهای منطقه ، برای رودررو قرار دادن ایران با کشورهای خاورمیانه عمل می کند.یاطرح موضوع ساختگی و بی اساس " هلال شیعی" برای دامن زدن به اختلاف های کشورهای اسلامی دنبال می شود.در حالی که همه مسلمانان جهان ،در اصول با یکدیگر اشتراک عقیده داشته وبه خدای واحد، پیامبر واحد ، کتاب واحد و قبله واحد اعتقاد دارند.دامن زدن به اختلافات مرزی بین کشورهای اسلامی ،توسط غرب و از طریق جنگ نرم برای افزایش زمینه های اختلاف بین کشورهای اسلامی نیز در همین چارچوب قابل طرح است.

د- نخبه پروری با رویکرد نفوذ:

مهمترین مولفه سیاسی در جنگ نرم ، پرورش نخبگان سیاسی همچون نویسندگان،شعرا و هنرمندان در کشورهای کلیدی ،به عنوان عناصر نفوذی و حمایت از این نخبگان برای ایجاد اختلاف است.پرورش نخبگان یکی از مهمترین جنبه‌های جنگ نرم و عملیات روانی است. بکارگیری نخبگان جهت تاثیر گذاری بر اندیشه های تقریبی، یک جنگ پنهان است که در شرایط صلح نیز به صورت غیرمحسوس کاربرد دارد. این قبیل نخبگان نفوذی،نخست از طریق رسانه‌ها در قالب برگزاری مصاحبه و مناظره به عنوان چهره‌های اندیشمند و محبوب معرفی شده و سپس افکار و اندیشه‌های خاص آنان در جهت اهداف غرب در میان مردم اشاعه می‌یابد.در مقاطعی برای مقاصد خاص،به این افراد جوائز مطرح در عرصه اندیشه و هنر،نظیر نوبل و اسکار هم داده می شود. قدرت های بزرگ با اشاعه تفکرات این افراد از طریق شبکه های ارتباطی کوشش می کنند تا اندیشه‌ها و آداب خود را در دیگر جوامع نیز رواج داده و فرهنگ ملل مسلمان و بطور خاص موضوع وحدت اسلامی را متاثر نمایند. طبیعتا وقتی روح اسلام و فرهنگ مسلمان با رواج اندیشه های بدلی و جعلی از جامعه اسلام رخت بربندد، "اتحاد" که یکی از مظاهر فرهنگ اسلامی است نیز در حاشیه قرار می گیرد.

هـ- مقابله با بیدار اسلامی به عنوان پشتوانه وحدت

جهان غرب در یک برنامه راهبری بر آن است که برای مقابله با وحدت مسلمانان با بیداری اسلامی که بحمد امروز در میان مسلمانان رو به گسترش است،مقابله کند.در این ارتباط استفاده عملیات روانی و

جنگ نرم در دستور کار غرب می باشد.

یکی از سیاستگذاران غرب به نام تالمون در سال ۱۹۹۲ راهکارهای زیر را برای مقابله با بیداری اسلامی ارائه می دهد.

- از اشاعه ارزش‌های اسلامی در دنیای غرب ممانعت شود.
- انقلاب اسلامی را در محدوده جغرافیایی ایران محصور نمایید.
- از وحدت جهان اسلام جلوگیری کنید.
- ارزش های اسلامی را وارونه جلوه دهید.

با نشر و اشاعه چنین دیدگاه‌هایی در جوامع غربی، دستگاه‌های تبلیغاتی غرب بخصوص پس از حادثه یازده سپتامبر، در پی مقابله ژرف‌تر و روشمندتر با جهان اسلام برآمدند.وجود گروه ههای افراطی همچون القاعده و حرکت هائی چون طالبان به این هدف غرب برای مشوه جلوه دادن اسلام و مقابله با اندیشه ای تقریبی،کمک شایانی کرد.

در مجموع اساس مطالعات غربی‌ها موفقیت آنها در بکارگیری جنگ غرب برای مقابله با اسلام و وحدت اسلامی را تائید کرده است.یک نظر سنجی توسط مرکز مطالعات غرب اینگونه ادعا کرده که در دهه اخیر تحولات زیر رخ داده است:

- بر تعداد روشنفکران غیرمذهبی افزوده شده است.
- فرار مغزها از کشورهای اسلامی به خارج بیشتر شده است.
- گرایش به فیلم‌های سینمایی غربی افزون شده است.
- محبوبیت مدل‌های غربی در جهان اسلام بیشتر شده است.
- تعداد لایک‌ها بیشتر شده است.
- از گرایش به نهادهای مذهبی کاسته شده است.
- بر تعداد طرفداران سکولاریسم افزوده شده است.

و همه اینها موانعی برای ایجاد وحدت اسلامی ایجاد کرده است.

۳- شیوه های مقابله:

برای تحقق اهداف تقریبی در میان مذاهب اسلامی ،یافتن شیوه هائی برای مقابله با تهدیدهای جنگ نرم ضرورت دارد در این ارتباط پیشنهادات زیر ارائه می گردد.

الف- برای شناخت ترفندهای غرب برای مقابله با تقریب مذاهب از طریق جنگ نرم ، برپائی میزگردهای تخصصی در کشورهای اسلامی لازم است.

ب- در بعد بین المللی نهادهای اسلامی و عربی از جمله سازمان کنفرانس اسلامی موسسه فرهنگی اکو،باید

با برگزاری میزگردها و نشست های منظم نقش مهمی در برقراری وحدت میان مسلمانان جهان ایجاد کنند.

برای مقابله با جنگ نرم ، داشتن راهبرد و برنامه ضرورت دارد لذا مناسب است شورای عالی مجمع بین المللی تقریب مذاهب اسلامی در دو حوزه عملیات روانی و عملیات رسانه ای ، نقش هر یک از اعضا را مشخص و و وظیفه وی را در حوزه محل فعالیت مشخص نماید.این مجمع می تواند یک گروه نظارتی برای نظارت بر فعالیت های هریک از اعضاء در این زمینه تاسیس نماید.

ج- جهت شناخت و مقابله با ترفندهای جنگ نرم، وظیفه علما و روحانیون و دیگر فرهیختگان اهمیت دارد.لذا باید با آموزش های لازم، بصیرت آنان نسبت به وضعیت فعلی و جوامع اسلامی و دسایس دشمن ارتقاء یابد.در واقع تقویت قوه تحلیل و ایجاد بصیرت در امت اسلامی برای شناخت اهداف جنگ نرم یک ضرورت فوری است.

د- برای تقویت بیداری اسلامی به عنوان پشتوانه وحدت اسلامی،علمای دین باید با روش های نوین و پاسخگو، خلا دینی و اعتقادی موجود در جوامع اسلامی را پر کرده و از گسترش بی دینی و سکولاریسم در میان مسلمانان و بخصوص جوانان جلوگیری کنند.

جمع بندي

ازآنچه بيان شد روشن ميگردد كه:

به جز مساله امامت ميان شيعه و سني اختلاف بنيادين وجود ندارد چون امامت از نظراهل سنت از فروعات فقهي است نه از مسايل اصولي و اختلافات علمي نيز از ويژگي نظري بودن آنست كه ازيک سو خطر آفرين نيست و از سوي ديگر با مباحثات وگفتوگوهاي علمي قابل حل هستند؛ بنابر اين نبايد اختلاف نظرهاي علمي به نزاعهاي عملي كشانده شوند. اين جريانهاي افراطياند كه همواره اختلافات را بزرگ ميكنند. اغراض و انگيزههاي سياسي، آن را تقويت ميكنند

جاي بسي تاسف است كه مسلمانان با تأسي از پيشوايان خود نه تنها الگوي مهرورزي نشدند بلكه بيش ازساير ملل به نزاعهاي موهوم كشانده شدهاند.

مسلمانان با پيروي از پيشوايان اسلام ميتوانند به وحدت و همگرايي برسند و با بكارگيري شيوه- هاي كه بيان شد به زندگي مسالمت آميز نائل شوند. و از اين رهگذر اقتدار گذشته خود را باز يابند.